

یادنامه

یادی از جواد معروفی

بخش فرهنگی – جواد معروفی ۲۷ سال قبل در چنین روزی درگذشت. هنرمندی که آغازکننده شیوه‌ای جدید در پیانونوای ایرانی بود. معروفی پیانو ایرانی را از حالت اشرفی خارج کرد و به حالت عمومی درآورد. او در نواختن و آموزش موسیقی تبحر داشت و آثارش در میان مردم مورد قبول بود. اولین اثر این هنرمند ترانه خیام بود که در ۲۴ سالگی اجرا کرد. جواد معروفی خودش را اینگونه معرفی می کند: «مدرسه عالی موسیقی که با دستان توانای استاد کلنل وزیر (موسیقیدان) در سال ۱۳۰۲ بنا شد و استاد برای آن زحماتی را متحمل شدند، بنده از شاگردان آن مدرسه هستم و افتخار شاگردی بنیان را دارم. ساز تخصصی بنده پیانو است و تا آنجا که برایم میسر بوده است آهنگ‌هایی ساختم؛ چه برای پیانو و چه برای ارکستر و از پیروی این راه باز نایستادم.»

از جمله آثار مطرح این هنرمند، قطعه «گناه عشق» با شعری از سعدی شیرازی است که با صدای عبدالوهاب شهیدی در ساز و آواز مایه بیات ترک ساخته شد. «گناه عشق» با پیانوی جواد معروفی یکی از ماندگارترین قطعات موسیقی است و از موسیقی گوش‌نواز ابتدای قطعه در مناسبت‌های مختلف استفاده می‌شود. سعدی شیرازی شاعر و عارف مشهور «گناه عشق» را سروده است؛ غزلی با منتهی علیه زیبایی که می‌توان به عشقی آسمانی یا زمینی نسبت داد. جواد معروفی در ۱۵ مرداد ۱۳۲۹۱ در تهران زاده شد. او فرزند موسی معروفی بود؛ از شاگردان و همکاران درویش خان. در خانواده‌ای که موسیقی ذاتی بود و جواد معروفی هر روز صدای ساز پدر و بزرگان موسیقی را می‌شنید، روح او نیز تمایل زیادی به موسیقی پیدا کرد. او موسیقی را نزد موسی‌خان معروفی آغاز کرد و به نواختن تار پرداخت. سپس با ویولن آشنا شد. پس از گذراندن دوران ابتدایی به هنرستان موسیقی رفت و پیانو را نزد استادش تاتیانا خاراتیان آموخت. در سال ۱۳۱۲ به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد و به آموزش سلفژ در هنرستان موسیقی مشغول شد. با افتتاح رادیو در سال ۱۳۱۹ جواد معروفی به عنوان تکنواز پیانو در آن فعالیت کرد و سال‌ها سرپرست شورای موسیقی رادیو بود. جواد معروفی در شانزدهم آذر سال ۱۳۷۲ درگذشت.

خبر

نگاهی به فهرست کتاب‌های پر فروش

بخش فرهنگی – فهرست هفتگی نیویورک‌تایمز از پر فروش‌ترین کتاب‌های حوزه‌های مختلف اعلام شد؛ در این بین نام جدیدترین اثر «جیمز پترسون» و کتاب خاطرات «باراک اوباما» نیز به چشم می‌خورد.

به گزارش ایسنا، رمان «بازیکن شماره دو آماده» به قلم «لرنتس کلاین» در رتبه نخست فهرست آثار داستانی جلد سخت این هفته «نیویورک‌تایمز» قرار دارد. در این رمان که دنباله‌ای بر رمان «بازیکن شماره یک آماده» محسوب می‌شود، «وید واتس» به پیشرفت‌هایی در حوزه فناوری دست پیدا می‌کند که به دنبال آن وارد ماجراجویی جدیدی می‌شود.

رتبه دوم این بخش از پرفروش‌های نیویورک‌تایمز به جدیدترین رمان «جیمز پترسون» نویسنده پرفروش آثار جنایی اختصاص پیدا کرده است. «پترسون» که به عنوان یک نویسنده پرکار و پرفروش شناخته می‌شود در هفته‌های اخیر با رمان دیگری به جمع پنج اثر پرفروش این فهرست راه یافته بود. رمان «کراس مرگبار» عنوان جدیدترین رمان این نویسنده است که بیست و هشتمین کتاب از سری داستان‌های «الکس کراس» به شمار می‌رود. در این رمان تحقیق درباره دو قتل، «الکس کراس» را به آلاباما می‌کشاند. رتبه سوم این فهرست نیز به رمان «بازگشت» نوشته «نیکولاس اسپارکس»، رتبه چهارم به «زمانی برای بخشیدن» اثر «جان گریشام» و رتبه پنجم به «روشنی روز» نوشته «دیوید بالداجی» اختصاص پیدا کرده است.

همچنین در بخش پرفروش‌ترین آثار غیرداستانی جلد سخت این هفته نیویورک‌تایمز کتاب خاطرات «باراک اوباما» رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده با عنوان «سرزمین موعود» در صدر فهرست دیده می‌شود.

کتاب «چراغ‌های سبز» نوشته «متیو مک‌کانهی» نیز در رتبه دوم پرفروش‌های غیرداستانی جلد سخت قرار دارد. «مک‌کانهی» هنرپیشه برنده جایزه اسکار در این کتاب خاطراتی را که طی ۳۵ سال به نگارش درآورده به چاپ رسانده است.

همچنین کتاب «دالی پارتون، آوازخوان» نوشته «دالی پارتون» و «رابرت کی اورمن»، و کتاب خاطرات «شدن» نوشته «میشل اوباما» رتبه‌های سوم و چهارم این فهرست هستند.

●●●●●

مربایی که خوردنی نیست

بخش فرهنگی – کتاب «مربای روسی» نوشته لودمیلا اولیتسکایا با ترجمه مریم شفقی منتشر شد.

این کتاب در ۱۳۰ صفحه با قیمت ۲۸هزار تومان توسط نشر هرمس منتشر شده است.

نویسنده در معرفی کتاب «مربای روسی» آورده است: این نمایشنامه شرح ارتباط من با آنتون پاولویچ چخوف است. گفت‌وگو با چخوف خواسته من بود، این‌که به او بگویم ما بدون او چگونه در روسیه به سر می‌بریم. مردم همان‌اند که بودند: باغ آلبالو در همه جا بدل به مربا شده و فعالیت ما زمین را به ویرانه تبدیل کرده است؛ از زیبایی طبیعتِ سبز سوخت تولید می‌کنند و از حیوانات نازنین پوست، این سیر تحول تمدن خوشایند من نیست، با این حال هیچ‌کس از من نمی‌پرسد چه می‌خواهم و این موضوعات به مربا یعنی محصولی که از همه این‌ها تولید می‌شود چه ارتباطی دارد؟ بدبختی آن است که مربای ما خوردنی هم نیست و این موضوع از هر چیزی دردناک‌تر است.

{فرهنگ و هنر }

بودجه‌خواری فیلم‌های فاخر و جشنواره‌ها و جای خالی معیشت هنرمندان در بودجه ۱۴۰۰

بخشی از صحبت‌هایش با اشاره به سرمایه‌گذاری در سینما گفت: نکته دیگری که درباره بودجه می‌توان گفت درباره بخشی از سرمایه‌گذاران داخل سینما است. منهای بخش محدودی از افرادی که از راه‌های مشکوک و شاید غیرقانونی سرمایه برخی آثار را تامین می‌کنند، اکثریت سرمایه‌گذاران با شوق و انگیزه‌ای در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کنند که با وجود کرونا و بسته شدن سینماها و تغییر فرهنگ فیلم دیدن از طریق اکران آنلاین، سرمایه‌هایشان از بین رفته یا کوچک



شده است. متأسفانه اکران آنلاین هم نتوانسته توقعات صاحبان آثار را برآورده کند و قاچاق سریع فیلم‌ها و پخش از شبکه‌های ماهواره‌ای در این مسیر همواره مانع از درآمدزایی برای فیلم‌ها شده است. علی‌اکبری افزود: در مجموع سال ۱۴۰۰ برای سینمای ایران و سینماگران سال سختی خواهد بود. در سینما فقط مسئله مالی در میان نیست بلکه انرژی‌هایی که از بین رفت و لطمات روحی که به سینماگران وارد شد، صدمات جبران‌ناپذیری به سینما زده است لذا دولت باید یک بازنگری نسبت به خدمات خود برای هنرمندان در سال آینده داشته باشد. این یعنی فقط با صددرصدافزایش بودجه می‌توان مشکلات را برطرف کرد.

وی با اشاره به لزوم صرفه‌جویی در برخی هزینه‌های اضافی از جمله برگزاری جشنواره‌های متعدد در کشور گفت: به هر حال نمی‌توانیم منکر جشنواره باشیم و کشوری که تولیدات متعدد دارد قطعاً نیاز به جشنواره دارد اما اینکه جشنواره‌های متعدد برگزار کنیم، اشتباه است. من همواره حتی در شرایط عادی با تعدد جشنواره‌ها مخالف بودهام. مثلاً ما جشنواره کودک برگزار می‌کنیم با ۵ فیلم کودک در سال، این غلط است. جشنواره فیلم سینماحقیقت هم با تعداد محدودی فیلم برگزار می‌شود. به نظر می‌رسد بسیاری از این جشنواره‌ها قابل ادغام در یکدگرند. جشنواره کودک در دهه شصت زیرمجموعه جشنواره فیلم فجر بود ضمن آنکه آن موقع تولیدات کودک به مراتب بیشتر از الان بود. این هزینه‌های اضافی باعث می‌شود بسیاری از اولویت‌ها در صنعت سینما کنار گذاشته شود و هزینه‌های سربرای روی دوش سینما باقی بماند. علی‌اکبری در پایان افزود: به نظرم دولت باید خیلی جدی نسبت به کاهش تعداد جشنواره‌ها گام بردارد و اگر لازم هست کمیسیون فرهنگی مجلس به این موضوع ورود کند و با نظرات کارشناسی فضایی را ایجاد کنند که جشنواره‌ها با هم ادغام شوند. ما در سال دو جشنواره بیشتر نیاز نداریم. یکی در نیمه اول سال و یکی در نیمه دوم سال که همان جشنواره فیلم فجر است. در جشنواره تابستانه هم باید تحت عنوانی خاص تمامی موضوعات ادغام شوند.

اگر تماشای ارقام بودجه محقق نشود!

«۳۱۹ هزار میلیارد تومان کسری» و «غیرواقعی بودن ۵۹۰ هزار میلیارد تومان بودجه» نگرانی‌های زیادی برای بودجه سال آینده به وجود آورده است با این‌حال دولت اصرار دارد که درصورت تحقق رقم فروش نفت و میعانات گازی و نیز درآمدزایی از حوزه مالیات و دیگر درآمدهای دولت، بخش قابل توجهی از بودجه قابل‌تحقق است و اگر هم کسری متوجه این بخش شود چندان قابل‌توجه نخواهد بود، اما منتقدان معتقدند دولت قادر به تحقق این درآمدها نیست و اغلب برآوردهایی که در بودجه انجام می‌شود، بدون تشریح نحوه انجام محاسبات است و اغلب این کسری‌ها به ویژه در بخش‌های عمرانی، ردیف‌های بودجه سازمان‌ها و نهاده‌ها و به ویژه پرداخت بدهی‌های دولت خود را نشان خواهد داد. طبعاً حوزه فرهنگ نیز از آثار سوء عدم تحقق کامل بودجه بی‌تأثیر نخواهد بود و این یعنی برخی از ارقامی که روی کاغذ برای همه‌ی بخش‌ها و نیز سینما درنظر گرفته شده، شاید محقق نشود. رضا سعیدی‌پور (عضو هیات مدیره انجمن سینماداران کشور) به ایلنا گفت: به جلسهای که با آقای انتظامی داشتیم، بودجه‌ای که سازمان سینمایی در سال ۹۹ داشت، برای برطرف کردن مشکلات سینما که ناشی از شیوع ویروس کرونا بود، حداقل‌ها را نیز تامین نمی‌کرد. حال در شرایطی که تمام سالن‌های سینما در آستانه ورشکستگی هستند و پرسنل بسیاری از سینماها در حال اخراج یا معرفی آن‌ها به بیمه بیکاری هستند، بخش سینما با کمبود حد

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۹ ۵

بودجه‌خواری فیلم‌های فاخر و جشنواره‌ها

و جای خالی معیشت هنرمندان در بودجه ۱۴۰۰

بودجه روبرو شده است. باید بدانیم که بودجه‌ای که هر سال مصوب می‌شد و بیش از ۷۰ از درصد تخصیص پیدا نمی‌کرد، همواره سینمای ایران را در بخش‌های مختلف با مشکل روبرو کرده و امروز حتی با فرض افزایش ۳۰ درصدی، این بودجه نمی‌تواند مشکلات سینما را حل و فصل کند. چراکه‌عدم تحقق کامل بودجه یعنی در بهترین حالت ۷۰ درصد از آن محقق می‌شود که این یعنی همان بودجه سال گذشته. سعیدی‌پور افزود: مشکلاتی که در تولید و بازاریابی سینماها داریم به خاطر شیوع کرونا امروز بیشتر هم شده و اگر سینماها بخواهند سیستم‌های فنی خود را درست یا نوسازی کنند، قطعاً در تامین بودجه با مشکلاتی روبرو می‌شوند. وی با اشاره به اولویت‌های بودجه‌ای سینمای ایران در سال آینده گفت: تولید فیلم و توجه به زیرساخت‌ها باید توامان انجام شود. نمی‌توان تولید فیلم را متوقف کرد و در کنار آن توقع رونق سینما را داشت. در چند ماه گذشته فیلم‌های بسیاری تولید شده است و باید بستری برای رونق اکران فراهم شود. سینما با تولید فیلم زنده است و اگر فیلم تولید نشود چراغ سینما روشن نمی‌شود. سینماهای قدیمی؛ حتی سالن‌های مدرن هم فقط با فیلم خوب رونق می‌گیرند. مگر در چند ماه گذشته سالن‌های مدرن ما خالی از جمعیت نبودند؟ همه اینها به خاطر نبود فیلم خوب است. پس نمی‌توان اولویت بودجه را تنها به زیرساخت‌ها اختصاص داد و باید به تولید فیلم که منجر به اشتغالزایی در سینما می‌شود هم توجه ویژه کرد.

وی با اشاره به ترافیک فیلم‌ها در پشت اکران گفت: ظرفیت اکران آنلاین می‌تواند به روند نمایش فیلم‌ها و کاهش ترافیک فیلم‌ها در سینماها کمک کند. با اولویت‌های استفاده از این بودجه به ایلنا گفت: کرونا زیرساخت دو بخش برای نمایش تقسیم‌بندی کرد که با این شیوه می‌توان راهکاری هم برای رونق سالن‌های سینما اندیشید.

اولویت با کمک‌های امدادی است

سجاد نوروزی (مدیر سینما آزادی) به با اشاره به بودجه ۲۷۵ میلیارد تومانی سینما در سال ۱۴۰۰ و اولویت‌های استفاده از این بودجه به ایلنا گفت: کرونا زیرساخت فنی و زیر ساخت ارائه محصول سینما را تحت تأثیر قرار داده است. بخشی از این زیرساخت؛ سالن‌های سینماست که محل عرضه است اما به طور کلی آسیب‌های جدی دیده‌اند. بعد از سینماها دفاتر پخش و مهترتر از همه شاغلین در حوزه سینما که به واسطه کم شدن تولیدات بیکار شدند. وی در ادامه گفت: اولویت‌های بودجه سینما در سال آینده باید اولویت‌های امدادی باشد. یعنی کلی جور امدادرسانی و بازطراحی و ریکواری این موجود نیمه جانی باشد که کرونا آسیب‌های جدی به آن زده است. اگر قرار باشد باز هم این بودجه صرف تولیدات بی‌مخاطب شود اتفاق جدیدی نمی‌افتد و همان مسیری که در این چهل سال سینمای دولتی بی‌مخاطب داشته، ادامه پیدا می‌کند. امروز حرام است حتی یک ریال از بودجه صرف تولیداتی شود که از همین الان معلوم است مخاطبی ندارند، حالا با ویرترینی که می‌خواهد باشد. چه فیلم ارزشی باشد چه فیلم روشنفکری یا اجتماعی و …

وی با اشاره به ردیف بودجه تولید فیلم‌های فاخر در بودجه سال آینده گفت: واژه «فیلم فاخر» یک واژه بی‌معنی و فاقد هویت است. چه کسی می‌تواند بسنجد که یک اثر فاخر است؟ وقتی می‌شود با بودجه ۲۰۰ میلیون تومانی فیلمی ساخت که در لحاظ ارزش هنری و حتی جذب مخاطب از یک پروژه چند ده میلیاردی بیشتر منفعت ایجاد می‌کند، واژه فیلم فاخر به خودی خود بی‌معنی می‌شود. این واژه مثل همان واژه‌هایی است که معنی که در دهه شصت تحت عنوان سینمای معناگرا ایجاد کردند که خروجی‌اش فردی مثل مخملیاف بود که وضعیت امروزش مشخص است. واژه سینمای فاخر تنها کارکردش بر کردن جیب یک عده‌ای است که در نهایت خروجی آن‌ها هم نه برای سازمان‌ها و نهادهای دولتی مطلوب است و نه مخاطب از آثار رضایت دارد. اصولاً چرا باید برای واژه‌های یک بار و وزن اضافه درست کنیم که بعد از پس اداره‌ها برنایییم؟ معنی فاخر یعنی چی؟ چه متر و معیاری برای فیلم «فاخر» وجود دارد؟ آیا صرف اینکه پروداکشن عظیم داشته باشد فاخر است؟ آیا فیلم «فاخر» فقط باید با پول دولت ساخته شود؟ یعنی کسی در بخش خصوصی بخواهد فیلمی با مفاهیم ارزشمند تولید کند امکانش نیست؟

نوروزی با بیان اینکه دولت نباید در تولید فیلم دخالت کند و بودجه را باید در زیرساخت صرف کند، گفت: اینکه دولت بخواهد در تولید فیلم حضور فعال داشته باشد، اشتباه است. بودجه‌های سینمایی باید در زیرساخت‌ها و تقویت زیرساخت‌ها، ساخت و تجهیز سالن‌های سینما در کشور استفاده شوند. بسیاری از فیلمسازانی که ادعای استقلال فکری و کاری دارند و با پز روشنفکری فیلم می‌سازند، از وام‌ها به مراتب بیشتر منتعم شدند و آثاری ساختند که اصلاً مخاطب نداشته. یک عده هم در لیاس ارزشی بودجه‌خواری می‌کنند. دخالت دولت در تولید محکوم به شکست است مگر با یک فرمول خاص اتفاق بیفتد. درغیر این‌صورت وام‌های خرد و بدون بازگشت که بین فیلمسازان پخش می‌کنند اصلاً معنی ندارد. سال آینده برای سینمای ایران سال سختی است. دولت باید نسبت به معیشت و بیمه هنرمندان با حساسیت بیشتری کار کند. باید نسبت به تجهیز زیرساخت‌های فنی سینما مثل ساخت سالن و واردات تجهیزات فنی اقدام کند.

مهدخت معین خبر داد:

انتشار شرح غزلیات حافظ اثر دکتر معین برای اولین بار بعد از ۸۰ سال

گنجینه عرفان رسید.

نکته دیگر آن که معین بعد از تألیف کتاب در سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۲



به‌تدریج روی کتاب کار کرده و ارجاعات به منابع و مآخذ دیگر داده بود که بایستی از آن مآخذ به گنجینه نقل می‌شد. تصحیح مکرر نمونه‌های چاپی نیز وقت می‌گرفت.

♦ **ویژگی‌های اصلی این شرح را چه می‌بینید؟ چه نکاتی این کتاب را از سایر شروح حافظ متمایز می‌کند؟**

گنجینه عرفان باینکه نسخه‌ای قدیمی است و سال‌ها پیش تألیف شده است و در سال‌های اخیر شرح‌هایی نوشته شده از جمله شرح شوق همکار دانشمند، سعید حمیدیان که جامع و کامل است، هنوز مواردی در معانی و مفاهیم ابیات در این شرح ارائه شده که کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. استنباط و ذوق مؤلف در دریافت و کشف مفاهیم و معانی ابیات شگفت‌انگیز است.

بخش فرهنگی – مهدخت معین، دختر محمد معین گفت: با اینکه

«گنجینه عرفان» نسخه‌ای قدیمی است و سال‌ها پیش تألیف شده، هنوز مواردی در معانی و مفاهیم ابیات در آن شرح ارائه شده که کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. استنباط و ذوق مؤلف در دریافت و کشف مفاهیم و معانی ابیات شگفت‌انگیز است.

مهدخت معین فرزند محمد معین، استاد شناخته‌شده رشته زبان و ادبیات فارسی است. مهدخت معین که دکترای ادبیات فارسی نیز دارد و به تدریس در دانشگاه‌ها مشغول است، سال‌ها است که به چاپ آثار منتشرنشده محمد معین می‌پردازد. مزدیسنا و ادب پارسی و حافظ شیرین‌سخن، برهان قاطع و… از جمله آثاری است که به همت خانم معین منتشر شده‌اند. حال به مناسبت چاپ مجموعه‌ای جدید از محمد معین –پدیدآورنده یکی از مهم‌ترین لغت‌نامه‌های فارسی یعنی فرهنگ معین– با نام «گنجینه عرفان»، مصاحبه‌ای با او ترتیب داده‌ایم که از چند و چون این اثر تاکنون منتشر نشده دکتر معین مطلع شویم.

♦ **شرح محمد معین بر حافظ بعد از سال‌ها و با تأخیر در آستانه منتشر شدن است علت این تأخیر در چاپ این مجموعه چه بود؟**

گنجینه عرفان که شرح غزل‌های حافظ است، حدود هشتاد سال پیش تألیف شده است. ده سال است که روی آن کار می‌کنیم و برای چاپ آماده می‌کنیم. کتاب بیش از هفتصد صفحه است. علت تأخیر برای شروع کار چاپ گنجینه این بود که خانواده تشخیص داد که اولویت با چاپ جلد دوم «مزدیسنا و ادب پارسی» است که قبلاً چاپ نشده بود. آن کتاب را چاپ کردیم بعد اولویت با چاپ جلد دوم «حافظ شیرین‌سخن» بود که قبلاً چاپ نشده بود، این کتاب را نیز چاپ کردیم. قبل از حافظ شیرین سخن، دو جلد «مجموعه مقالات» استاد معین را چاپ کرده بودیم. بعد از «حافظ شیرین سخن»، چهار مقاله و تعلیقات را که چاپ شده بود با اضافات بعدی مؤلف تجدید چاپ کردیم. در این مدت متن چهار مقاله، برهان قاطع و سلسله دستوره‌ای زبان فارسی را هم چاپ می‌کردیم. بالاخره نوبت به